

وصلتت مبارک

طرف ایرانی با طرف کوبایی

(قسمت آخر)

امیرفیض- حقوقدان

اکنون به اتفاق به نقد عقدنامه وصلت بین طرف ایرانی و طرف کوبایی میرویم.

متن عقد نامه

تفاهم نامه همکاری بین مجمع مقاومت کوبا و شورای ملی ایران برای انتخابات آزاد. (۱)

از آنجائی که حقوق بشر، دستاوردی جهان شمول است و تمامی انسان ها را بدون توجه به نژاد، ملیت، عقیده و دین آنها دربرمیگیرد.

و از آنجائی که رژیم های دیکتاتوری در ایران و کوبا به منظور باقی ماندن در قدرت به سرکوب مردم ایران و کوبا اقدام میکنند. (۲)

و از آنجا که آزادی خواهان شجاع در داخل ایران و کوبا تمامی تلاش خود را بسته اند تا در کشور خود تغییر ایجاد کنند. (۳)

و از آنجا که رژیم های دیکتاتوری ایران و کوبا با یکدیگر همکاری میکنند تا در قدرت بمانند و مردم خود را منکوب کنند. (۴)

و از آنجا که مجمع مقاومت کوبا و شورای ملی ایران، دمکراسی خواهان تبعیدی را گردهم آورده اند تا از مقاومت داخل کشور حمایت کنند و جامعه جهانی را برای حمایت از آینده ای بهتر در ایران و کوبا گرد هم آورند. (۵)

مجمع مقاومت کوبا و شورای ملی ایران توافق کرده اند تا؛

برای شناسائی تمامی زمینه های فعالیت مشترک تلاش کنند، تا بدینوسیله بتوانند به صورت یکجا از تلاش های آزادیخواهانه در ایران و کوبا حمایت کنند. (۶)

شاهزاده رضا پهلوی ریاست شورای ملی ایران. (بخوانید شورای ناپیدا)

هراشیوگر آسیا، مجمع مقاومت کوبا

(۱) تفاهم نامه يا موافقت نامه

همانطور که در قسمت ردیف ۶ <مجمع مقاومت کوبا و شورای ملی> ازواژه توافق استفاده شده سند مزبور عقد است نه تفاهم نامه.

تفاهم به معنای فهمیدن و درک کردن موضوع است که معمول بوده و نیازی به تنظیم سند ندارد.

تفاهم نامه زمانی است که قراردادی با ابهاماتی در فهمیدن و اجرا روبرو میشود و طرفین پس از درک موضوع، یک تفاهم نامه مربوط به مسئله ای که رفع تفاهم شده مینویسند و امضا میکنند که ضمیمه قرارداد میگردد.

سندی که بین شورای ملی! و مجمع مقاومت کوبا به امضا رسیده یک موافقتنامه و قرارداد است و بهمین دلیل در این تحریر عقد و صلت نامیده شده است.

توضیح اینکه، هر سندی که بین دوویاچند نفر امضا شود عقداست و یا ایجاب.

یک سند برای اینکه اصالت داشته باشد نیاز به اثبات و وجود صلاحیت در موضوع و احراز در هویت طرفین است که هیچکدام از این دو رکن اساسی در سند مزبور وجود ندارد.

(۲) رژیم های دیکتاتوری

تفویض عنوان دیکتاتوری به رژیم جمهوری اسلامی و کوبا نادرست است هر رژیمی که دارای قانون اساسی باشد آن رژیم و یا کشور را نمیتوان دیکتاتوری نامید؛ دیکتاتور به معنای کسی است که خود دیکته میکند و حکمرانی بی قید و شرط دارد. حتی کشورهای اسلامی که ممکن است دارای قانون اساسی نباشند مانند عربستان سعودی، کشور و یا رژیم دیکتاتور شناخته نمیشود؛ زیرا دولت آن کشور نمیتواند آنچه که خود میل دارد بر مردم حکم کند، و مقید به احکام شرع است.

<ملک محمد شاه بغایت خونخوار بود، ملک گفت: > هرگز هیچ کس را نکشتم الا که انمه فتوا دادند که او کشتنی است <
(تاریخ سلاجقه)

حکومتهائی که با انتخابات عمومی میآیند و در مقابل مجلس نمایندگان مسئولیت دارند و مجلس هم مقید به رعایت قانون اساسی است رژیم دیکتاتوری نیست و یک حکومت ملی است. (استبناط حقوقی)

دولت آمریکا متهم به جنایات جنگی است، ایجاد کننده زندان های سری است، استراق سمع می کند، نقض اعلامیه حقوق بشر و بسیاری اعمال دیگر را جاری می سازد که هرچه باشد در شان یک حکومت لیبرال نیست آیا میتوان گفت که آمریکا یک رژیم دیکتاتوری است؟

جمهوری اسلامی رژیم دیکتاتوری نیست رژیم نامشروع و غاصبانه است. (مفصل دلایل در تحریرات

و سنگرها آمده).

دیکتاتوری صفتی است که متعلق به شخص طبیعی است نه شخصیت حقوقی که به اعتبار شرط و اساسنامه واجد هویت میگردد. اشخاص طبیعی هم مادام که درهینت عامله حقوق سیاسی کشور قرار نگرفته اند ممکن است خوی و طبع دیکتاتوری داشته و نشان هم بدهند ولی زمانی که در موقعیت قانونی قرار گرفتند دیگر نمیتوانند دیکتاتور باشند.

مثالش را میتوان در مورد اعلیحضرت آورد - امروز که فرمودند: **طرفداران من کسانی هستند که هر چه من میگویم باورداشته و عمل کنند.** و بعد هم اضافه فرمودند: **من با کسانی که با عقیده من همراه نیستند کاری ندارم - این دقیقا احساس دیکتاتوری است، و امروز که فرمودند: - سرکاغذها و سازمانها را کنار بگذارید - بگیریید میکروفنها را از دست آدمهای خود خواه (مشروح درسنگر ۱۵ اردیبهشت ۷۵)**

نشانگر خوی دیکتاتوری بسیار جدی است ولی مسلم است که اگر ایشان در موقعیت سوگند سلطنت قرار داشتند این نوسانات دیکتاتوری نمیتوانست بروز کند، کما اینکه در سال ۶۶ در مصاحبه با کیهان لندن فرمودند:

< میان وظیفه ای که بر پایه حضور و شرکت بی قید و شرط در عرصه بیکار در راه نجات فرا میخواند و تعهدی که باتمام وجودم برای پاسداری از قانون اساسی مشروطه پذیرفته ام کمترین تناقضی نمی بینم >

علت طرح مسئله بالا

این موضوع بدان سبب مطرح شد که نمیتوان برای موافقتنامه ای قائل به اصالت حقوقی شد در حالیکه مقدمات و علل آن نادرست و فاسد و مجهول باشد و در عبارات دیگر <عدم وجود رابطه علت و معلول، سد راه رسیدن به نتیجه است> این مهم همان است که عوام میگویند: <اول برادریت را ثابت کن و بعد ادعای ارث و میراث کن> و شیخ بهانی گفته:

<خشت اول چون نهد معمار کج تاثیرا میرود دیوار کج>

انگیزه تداعی نادرست

نباید تصور کرد که طرف ایرانی موافقتنامه وصلت، نمیدانسته که اطلاق دیکتاتوری به رژیم جمهوری اسلامی اشکال بزرگی دارد، البته که میدانستند؛ ولی تبعیت و هماهنگی با گزارش کمیسیون تدارکاتی برای آزادی کوبا (به ردیف ۱۱ قسمت دوم تحریر رجوع شود) که ۳۱ میلیون دلار اختصاص داده شده بود لازم میساخت که در توافقنامه وصلت با کوبا ازواژه هائی استفاده کنند که عینا ویا در مفهوم، مشابه عبارات مصوبه کمیسیون تدارکاتی باشد چنانکه دوبار در ردیف های ۲ و ۴ از واژه <رژیم دیکتاتوری استفاده کرده. (از محکمکاری کسی ضرر ندیده).

نمونه در تائید جریان بالا = در سال ۱۳۸۵ بودجه ای بمبلغ ۷۵ میلیون دلار برای کمک به مخالفان جمهوری اسلامی تخصیص داده شد که بخشی از آن به فعالین رفراندم برای تعیین نوع رژیم ایران تعلق یافت. آقای ریچارد پرل- نظریه پرداز مشهور آمریکائی نوشت «دولت آمریکا باید درباره رساندن کمک به طرفداران رفراندم برای نوع رژیم ایران اقدام سریع کند. (مشروح درسنگر ۱۵ خرداد سال ۸۵)

بلافاصله با انتشار خبر مزبور هرچه فعال سیاسی در خارج از کشور بود برای سهم بردن از آن مبلغ، به رفراندم برای تعیین نوع رژیم کشور وصل شد؛ فعالیت کنگره همبستگی ایرانیان و رفراندم دات کام و حتی هواداری سخت اعلیحضرت از رفراندم فراموش شدنی نیست.

گروه کثیری از ارتشیان و شخصیت های سیاسی باشتاب و عجله بدون توجه به اصل قضیه به توری که آمریکا بوسیله نصر اصفهانی پهن کرده بود خود را در آن تور انداختند؛ سه (۳) سپهبد چهار (۴) سرلشگر و ۱۳ سرتیپ و ۲۸ سرهنگ در آن تور جاسازی شدند. (از سنگر ۱۵ آبان ۸۵)

همه این فعالیت های برق آسا برای هماهنگی با فرازهای ذکر شده در بودجه ۷۵ میلیون دلاری بود و بعد که بودجه تمام شد و تجدید هم نشد مثل برف سروصدای رفراندم برای تعیین رژیم کشور آب شد بنحوی که اکنون حتی یک مورد هم شنیده نمیشود؛ و جای آنرا انتخابات آزاد و وصلت با کوبائی ها گرفت (تاسحر چه زاید باز).

(۳) ایجاد تغییر در کشور

میان دعوا نرخ گذاشتن همین است. آیا ایرانیان خارج از کشور ۳۵ سال است محرومیت ناشی از مبارزه را تحمل کرده اند تا در کشور تغییراتی بوقوع بپوندد؟ مگر طرف ایرانی موافقتنامه وصلت، بارها در گذشته نفرمودند «من با کسانی که خواهان تغییر در ایران هستند کاری ندارم» آیا مشارکت در بودجه آمریکائی ها تا این حد در اعتقاد و فکراسان ها موثر می افتد؟

اصلا تغییرات یعنی چه؟ ایران مانند هر کشور دیگری هر روز و هر ساعت با تغییرات روبروست، همین حالا ریاست جمهوری شیخ حسن تغییرات کلی حتی در سیاست خارجی را مد نظر دارد و به بخشهایی از تغییرات مورد نظرش هم مسلط شده است و سید علی هم در معیبت تغییرات او قرار گرفته است، دیگر برای امر حاصل شده چه نیازی به موافقت نامه با طرف کوبائی است؟ آیا سیاست فاش گوئی همین است که در مورد عقد وصلت با کوبائی ها گفته شده است.

پاسخ پرسش بالا را ردیف های ۵ و ۶ اینطور داده است:

.....ت ا بدین وسیله بتوانند به صورت یکجا از مقاومت داخل کشور حمایت کنند و جامعه جهانی را برای حمایت از آینده ای بهتر در ایران گردهم آورند.

جامعه جهانی در عبارت بالا کیست

هدف باز موافقتنامه وصلت، جلب توجه و استفاده از کمک مالی آمریکا است که زیر واژه «جامعه جهانی» مستورگریده به دلیل زیرنگاه کنید:

در حال حاضر که موافقتنامه وصلت انتشار یافته ۱۸۸ کشور در جهان در جلسه عمومی سازمان ملل رای به برداشتن تحریم های آمریکا علیه کوبا دادند و تنها اسرائیل و آمریکا و جزیره بالو که یک کشور کوچکی در اقیانوس آرام است رای منفی دادند - از سال ۱۹۹۲ چندین قطعنامه از سوی سازمان ملل علیه تحریم های آمریکا علیه کوبا صادر شد که در تمامی آنها تحریم های علیه کوبا غیرقانونی و مخالف منشور سازمان معرفی شده بود.

ایران در هشتم آبان ۱۳۹۲ و همچنین روسیه و چین به رفع تحریم های علیه کوبا رای داده اند.

در ۲۱ سپتامبر سال جاری ۲۰۱۴ گروهی متشکل از نخبگان سیاسی و تجاری و نظامی آمریکا ضمن نامه ای امضا شده خواستار برچیدن تحریم های علیه کوبا شدند، آقایان جان نگر و پونته (مدیر امنیت ملی آمریکا) در یاسالار جیمز استاور و چند تن از مقامات وزارت خارجه آمریکا نامه مزبور را امضا کرده اند.

بنابراین جامعه جهانی رانمیتوان در صرف اپوزیسیون کوبایی قرارداد و سه کشور آمریکا و اسرائیل و جزیره بالو که در صرف تحریم ها هستند تنها در صرف اپوزیسیون کوبا شناخته میشوند.

جامعه جهانی در موافقتنامه وصلت، آمریکا و اسرائیل است یعنی همان آمریکا که بودجه مبارزه اپوزیسیون کوبا را فراهم کرده و میکند و ناگفته نماند که طرف ایرانی همواره از عبارت جامعه جهانی برای حمایت و پشتیبانی آمریکا از اپوزیسیون استفاده میکنند که تاحدودی از قبح عمل بکاهند ولی در مورد موافقتنامه وصلت از آنجا که موقعیت ۱۸۸ کشور حتی جمهوری اسلامی نسبت به خواست اپوزیسیون کوبا روشن است بکار بردن عبارت جامعه جهانی یک پرده پوشی برای استتار نیت و قصد انتظار کمک از آمریکا است.

آب، آب را میجوید و هردو گودال را

مقصود از عبارت بالا که در بخش نخست تحریر ارائه شد، ارائه این معناست که طرف ایران (تشبیه به آب) و طرف کوبایی هردو در تلاش رسیدن به گودال یعنی پول آمریکا هستند؛ موفق مباد که گودال، گودال دفن ایران است.

بر ضمیر دل کسی یاک نشد این گفتار

«ابلهان در سرزمین های کوچک، همواره سنگ کشورهای بزرگ را به سینه میزنند و هم میهنان خویش را تشویق به بخشش میهن و ناموس خود میکنند»
ارود